



امیر شایعه

#### عنصر شایعه در ادبیات فرقه نگاری اسلامی

گاهی چنین تصور می شود که ادبیات فرقه نگاری و کتاب های ملل و نحل نویسی، تنها آینه ای هستند که آرا و عقاید فرق و ملل و نحل دینی و مذهبی را بازتاب می دهند. در تمدن اسلامی از همان سده دوم، نوشته هایی پدید آمدند که به معرفی اختلاف های مذهبی امت اسلامی پرداختند و به مرور زمان تا چندین قرن، مهم ترین کتاب های ملل و نحل نگاری فراهم آمدند. در چندسده گذشته نیز همچنان تولید این ادبیات تداوم داشته است؛ گرچه درباره فرقه ها و مذاهب قدیم تر، بیشتر روایتگر منابع کهن تر هستند و تحلیلی دقیق و جدید در این دست کتاب ها دیده نمی شود. شماری از کتاب های ملل و نحل با دسته بندی دقیق تر اختلافات مذهبی، عملا دست به تحلیلی از ساختارهای اختلاف های مذهبی می زده اند و گاه درمیان نویسندگان این نوع کتاب ها، دقت در مبانی اختلافات فرقه های مذهبی محل توجه قرار گرفته است. به نحوی که نوع اختلاف ها براساس و مبنای روشنی، تفسیرشدنی و قابل انتظار است.

یکی از ابزارهای لازم برای چنین کاری، تعیین سرچشمه های غیراسلامی برای مذاهب و فرقه های مخالف و رقبای عرصه اجتماعی و سیاسی بوده است تا بدین وسیله، «غیرخودی» بودن آنان را آفتابی کنند. بدین ترتیب برای بسیاری از فرقه ها یا گرایش های مذهبی و مکاتب کلامی در این دست کتاب ها، ریشه های افکار یهودی، مسیحی، زرتشتی یا مانوی و مزدکی قائل می شده اند و آن فرقه ها را گاه حاصل طوطه های دشمنان اسلام برای انقض قلمداد می کرده اند. در این چارچوب البته لازم بوده است که با ذکر پاره ای عقاید این فرقه ها، شباهت ها را برجسته کنند. با این وصف، بهره گیری از ابزار دروغ پردازی و شایعه پراکنی و جعل اسناد و زمین زدن خصم به هر طریق و جعل پاره ای از سخنان موافق یا مخالف بر زبان پیشوایان خصم یا مراحجی که اتوریته (اقتدار) مذهبی آنان مورد «اجماع» بوده، از مهم ترین شیوه های معمول بوده است. طبیعتا قدرت های سیاسی با امکاناتی که در اختیار داشتند و نهادهای دینی رسمی که به خدمت می گرفتند، به سادگی می توانستند از این ابزارها بهره بگیرند.

ملل و نحل نگاری در بسیاری زمینه ها به یاری این ماشین سرکوب می آمده و نتیجه هم در بسیاری مواقع، بهره گیری از دو عنصر «تکفیر» یا «تفسیق» در «فتاوی» بوده است. تنبیه قرن ها به عنوان اقلیتی در سرزمین های اسلامی، محل هجوم چنین سازوکاری بوده است. با این وصف در کتاب های ملل و نحل نگاری معمولا تفکیکی قائل می شده اند میان گروه هایی که دچار «بدعت» هستند و آنان را «اهل الأهواء والبدع» می خوانده اند و کسانی که معتقد بودند آرا و عقایدشان فراتر از «بدعت» است و آشکارا رنگ خروج از اسلام و هم مرزی با کفر پیدا کرده اند. تا بدان حد که آنان را «اهل کفر و الحاد» می خوانده اند. در منابع ملل و نحل نگاری سنیان، میان شیعیان «رافضی» با باطنیان و غلات شیعی، تفکیکی قائل می شده اند و گروه دوم را اهل الحاد می خوانده اند. طبیعابخشی از آنچه در این میان گفته می شد، تنها نوعی برداشت تاویلی از گفتار گرایش های دیگر آمیخته با اتهام هایی بود که با مستقیم جعل می شد یا حاصل شایعاتی بود که به تدریج از گفتارهای شفاهی و دهان به دهان بدین ترتیب وارد ادبیات مکتوب می شد و البته نقل و ذکر این نوع شایعات در کتاب های بعدی، صورت ساده تری می یافت و تبدیل به «حقیقت» می شد.

در این نوع مجادلات مذهبی، عنصر «شایعات» سهمی همواره سرنوشت ساز داشته و گاه حرف اول را می زده است. انتقال این شایعات گاه به دلیل فرهنگ غالب زمانه در قالب نقل احادیث، آسان می شد و راه به کتاب های «رسمی» می یافت. بسیاری از آنچه درباره فرقه ها و مکاتب مخالف در کتاب های ملل و نحل نگاری سنیان نقل شده، از این دست است، آنچه درباره قدریان و جهمیان و شیعه و رافضه گفته شده است، در اصل بخشی است از جنگ رسانه ای و تبلیغاتی که مهم ترین ابزارش «حدیث» بوده است و نیز نقل اتهام ها به تدریج در کتاب های ملل و نحل، طبعاً با نقل بی دریبی این نوع شایعات و تبلیغات حاصل از جدال های فرقه ای، این اتهام ها به تدریج بخشی از «حقیقت» را بازسازی می کرده و نفی آن حتی از ناحیه گرایش و فرقه مشمول اتهام، بسیار سخت و حتی گاه غیرممکن بوده است.

بدین ترتیب این گونه فرقه های متهم در برابر این نوع اتهام ها، دو واکنش متفاوت را دنبال می کرده اند و درواقع ناچار از آن بوده اند، برای دفاع از خود شیوه متبیع آن بوده است که اصل اتهام را می پذیرفته اند و آن را ناشی از انحراف گروهی اندک از پیشینیان و نه شیوه غالب قلمداد می کرده اند. طبعاً به دلیل گذشت زمان و تجدد نسل ها و نقل بی دریبی اتهام ها یا سوء برداشت ها و تفسیرها در ادبیات مکتوب، نفی اصل آن اتهام ها کاری ساده نبوده و بهترین شیوه، پذیرش اصل آن و واکنشی متناسب با آن بوده است، به نحوی که بتواند وجود گفتار اتهامی را تئیر کند. در اینجا بود که شیوه دوم مقابله شکل می گرفت و آن، اینکه اصل اتهام به گونه ای پذیرفته می شد و آن گاه در راستای تئیر آن، توجیهات تازه ای ارائه می شد که خود ابزار عقایدی تازه بر مبنای اتهام های دروغین گذشته بود.

بسیاری از آنچه در کتاب های ملل و نحل اهل سنت و نیز در کتاب هایی موسوم به «السنه» به وسیله اصحاب حدیث در ابزار اتهام های مختلف به شیعیان ارائه شده، از این قبیل است؛ بهره گیری از اتهام های ساختگی و تبدیل شایعات به گزاره هایی که تردید در آن به تدریج بسیار سخت می شده است، فی المثل آنچه درباره عبدا... بن سبا و در این کتاب ها و ریشه های عقاید او دیده می شود، از همین شمار است. اتهام هایی که معتزله به امامیه درباره اعتقاد به تشبیه می زده اند، درست در همین چارچوب قابل ارزیابی است. آنان با ارائه تفسیری نادرست از گفتار متکلم برجسته شیعی، هشام بن الحکم، و با نقل مکرر این تفسیری پایه، آن را به صورت شایعه ای چندان گسترش دادند که نه تنها معتزله و بلکه حتی مخالفان آنان که در ساختن این اتهام سهمی نداشتند، نیز آن را مکرر در کتاب های خود نقل کردند و جالب اینکه برخی شیعیان در واکنش به این اتهام، عین آن را پذیرفتند اما یا درصدد توجیه آن برآمدند یا آن را انحرافی منحصر به هشام بن الحکم دانستند و حتی با جعل احادیثی و بر زبان امامان، در در باورهای هشام بن الحکم، عملاً آب به آسیاب خصم ریختند.

در مقابل احادیث فضایل اهل بیت<sup>(ع)</sup> که انکار اصل آن برای مخالفان امکان پذیر نبود، نیز همین اتفاق افتاد و عینا احادیثی ساخته شد که همان مناقب را برای صحابه یا خلفای راشدین ادعا کنند و این احادیث البته واکنش های حدیثی و اعتقادی خود را باز در طرف مقابل به دنبال داشت.



شماره ۲۲  
۲۲ رمضان ۱۴۴۵  
۱۴۴۵ هجری قمری

۱۴



اخبار

کورش علیانی از بن مایه های اندیشه ای ظلم و تعدی صهیونیسم بین المللی می گوید

# روایت استمرار تبعیض، ترور و تعدی



حسینی نژاد

از زمان تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی آثار گوناگونی به زبان های مختلف درباره ر مایه های اندیشه ای و اجتماعی اسرائیل نوشته شده است. هرکسی با زاویه نگاه خاص خود به این مسئله پرداخته است. در سال های اخیر کتابی به فارسی درباره تحلیل تشکیل رژیم صهیونیستی نوشته شد که با تکیه بر منابع علمی و دقیق به دنبال آن بود تا ریشه های اندیشه ای صهیونیسم را برملا کند. «متاستاز اسرائیل»، روایتی تاریخی است که در پی بررسی یک موضوع خاص است و آن را دنبال می کند. آن موضوع پیوستگی ناپیوستگی تبعیض، ترور و تعدی در طول زمان در موجودیتی است که خودش را اسرائیل می نامد. این کتاب نوشته کورش علیانی از آثار برجسته و راهبردی است که در سال های اخیر با موضوع اسرائیل و تشکیل رژیم

صهیونیستی منتشر شده است. نویسنده در این اثر تأثیرات و حشتناک ایجاد دولت صهیونیستی در منطقه را به لحاظ اقتصادی و انسانی نشان داده است اما اهمیت کتاب بیشتر در این است که رویکردی پژوهشی، تاریخی را انتخاب کرده و توانسته است به نتایج جدیدی برسد که برای خواننده پژوهشگر و علاقه مند به مسائل تاریخی، جذاب است. علیانی به این نکته اشاره کرده است که برای نگارش این کتاب، به دانش تاریخی خود پسندیده و به دنبال پژوهش های انضمامی زیادی رفته و به نتایج تازه و جدیدی هم رسیده است. فصل نخست کتاب، به داستان تشکیل دولت صهیونیستی اختصاص دارد؛ از جایی که هیچ چیز نبوده تا جایی که وارد بازار سیاست جهانی شده است. علیانی در این بخش به نقش خانواده های زرسالار یهود در تشکیل دولت اسرائیل اشاره می کند. برای این موضوع، بحث از روسیه آغاز می شود، یعنی از زمانی که در قرن ۱۳ میلادی، یهودیان آن کشور به دلیل تصمیم های سخت

ترار روسیه، تصمیم به مهاجرت جمعی می گیرند و اینجاست که تنودور هرتسل یهودی پیدا می شود. او از این فرصت بهره برداری می کند و به دنبال یافتن سرزمینی برای یهودیان است و در اینجاست که نویسنده، جریان تشکیل آژانس یهود و تشکیل کنگره صهیونیسم در قرن نوزدهم را مطرح می کند. در فصل دوم، دلایل بقای این دولت و کارکردهای آن برای قدرت های جهانی بازگو می شود و از اینجاست که نقش دولت آمریکا در بقای این رژیم و جنگ های صهیونیست ها از شروع تأسیس ر شرح می دهد. نویسنده در فصل سوم، نگاهش را به داخل سرزمین های اشغالی می اندازد و سعی می کند نسبت میان شهروندان رژیم صهیونیستی با این دولت و چگونگی آماده سازی ذهنی آنان برای مشارکت در همه جنایاتشان را بررسی کند. کورش علیانی در این گفتار، زوایای دیگری از پژوهش خود را در اختیار ما قرار می دهد.

با ماکار دارد. این صهیونیست ها هستند که ما را رها نمی کنند و گریبانمان را گرفته اند. بیست سال است هر روز صبحم را با خبرهای مرتبط با اسرائیل شروع می کنم و هنوز هم بعد از گذشت دو دهه، از این حجم پلیدی و پلشتی، شگفت زده می شوم. حتی آن هایی که درباره اسرائیل حرف می زنند، بیشتر حرف هایشان، حرف های عجیبی درباره مسائل اخرا زمانی و ماوراء الطبیعه است. درحالی که ما هجه ما با اسرائیل، بر سر مسائل عینی و ملموس است، مثلاً کمتر کسی درباره توریت بودن اسرائیل صحبت می کند؛ همان دولتی که به صراحت اعلام می کند ما یک سال قبل از آمریکایی ها برای ترور سردار سلیمانی، عملیاتی را اجرا کردیم اما موفق نشدیم. میدان اصلی جنگ ها، بدن انسان است و صهیونیست ها با تحریم و ترور، هر روز بدنام را شکنجه می کنند و به ما زخم می زنند، آن هم شکنجه ای که ما به جای شکنجه گر، فرد دیگری را مسئول و مقصر می دانیم. عده ای حکومت ما را مقصر می دانند و عده ای دیگر، گروهی از جامعه را متهم می کنند که هر دو بسیار اشتباه است.



سنگ بنای دانشگاه عبری قدس را در سال ۱۹۱۸ گذاشتند و در سال ۱۹۲۵ هم افتتاحش کردند؛ ۲۷ سال پس از درگذشت شاپیرا و ۲۱ سال پس از مرگ هرتسل. یک حکم قدیمی هم هست که قاعدا تا باید با بدله «آغاز شود و این طور ادامه پیدا کند که به ماترک بدهد همیشه هر رفتنی با زادنی همراه است و هر زادنی با رفتنی. این حکمت روزگار است و تداومش باعث ماندگاری نوع بشر و تمدن های انسانی روی این بیسط خاک است، اما این حکمت فقط در مورد انسان ها صادق نیست، نهاده ها و ساختارهای اجتماعی نیز همین اند.

چرا این اثر را نوشتم؟

سه نفر تأثیر بسزایی در به ثمر رسیدن این کتاب گذاشته اند. نام دو نفر را بلدیم و سومی را نه. اولین نفر امام خمینی<sup>(ره)</sup> عزیز است، نه به دلیل جایی که گفت؛ «اسرائیل باید از بین برود، بلکه به علت جایی که گفت «جنگ ما، جنگ فقر و غناست و جنگ بشریت با اسرائیل، ادامه جنگ فقر و غناست و هرگز تمام نخواهد شد. مگر روزی که عدالت در این کره خاکی اجرا شود». دومین نفری که در انگیزه ام برای نوشتن این کتاب بسیار مؤثر بود، عبدا... شهپازی است که به ما آموخت زرسالار یهود، چه و پیوند زرسالاری و صهیونیسم چیست و چرا نمی توان آن را نادیده گرفت. سومین کسی که بسیار از او ممنونم، خانم صهیونیستی است که در کانادا زندگی می کند و سال ۲۰۰۵ هر روز برای من نامه فحش، تهدید و... می فرستاد و همان جا بود که من فهمیدم صهیونیسم یعنی چه. این سه نفر چشمم را به واقعیت تمام و کمال باز کردند. حرف های بسیاری در این کتاب زده ام، از جمله اینکه صهیونیسم همان قدر ضد یهود است که فاشیست ها ضد یهود بودند. صهیونیسم را یهودی نبینید، پرشش این نیست که من و امثال من با اسرائیل چه کار داریم؛ نکته این است که اسرائیل

کسانی کرده باشیم که دوستان نداریم یا با آن ها بر سر موضوعی مثل آب و خاک و تاریخ، دعوا یی داشته باشیم. برعکس. این گزارشی است موجز از وضع آن چیزی که خودش را اسرائیل نامیده است، یک سازمان تروریستی بزرگ که وانمود می کند نه تنها یک کشور که یک ملت – حاکمیت است.

کنگره ای نامتجانس از نگاه اندیشه ای

امروز وقتی می گویم کنگره بازل، تقریباً همه مطمئن هستند که داریم از نخستین کنگره صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ صحبت می کنیم. اما پیش از آن نیز «کنگره بازل» نامی شناخته شده بود برای یک واقعه دیگر؛ واقعه ای به کلی متفاوت و شاید بتوان گفت متضاد با صهیونیسم هرتسل.

نخستین کنگره که در بازل تشکیل شد، جمعی بود نامتجانس از بیش از دویست نفر با بیش از دویست ایده متفاوت و آرا مان ها و آرزوهای شخصی و عمومی بسیار. آشتنگی چنان زیاد بود که ناگهان هرمان شاپیرا همه را به سکوت فرا خواند، دست راستش را به سینه اش چسباند و ای ۵ از زممور ۱۳۷ ر خواند و از همه خواست با او تکرار کنند: «گر فراموش های ای قدس، دست راستم را فراموش کنم.» و به این شیوه، جمع پراکنده آشفته را باز به آرامش و وحدت کشید. یادداشت ها و آثار به جامانده از هرتسل، نشان می دهد که توصیف های او از انسان اروپایی نوین، نیچه و انسان یهودی نوین، خودش، بسیار شبیه هم هستند. انگار یک نفر است، با این تفاوت اندک که در اولی، اروپایی بودنش پرنزگ است و در دومی، یهودی بودنش. چیزی که هرتسل را یادداشت های روزانه اش می کوشد هرگز به آن اشاره نکند و آن را مکتوم نگاه دارد. صهیونیسم نتیجه ای فقط صهیونیسم سیاسی نبود که هرتسل بنیان نهاد و دیگران پی گرفتند. هر سیاسی، تبلیغات، ادبیات و فرهنگ خود را نیاز دارد.

ما برای بسیاری از پرسش ها، پاسخ عالمانه نداریم. گاهی البته برعکس. پاسخ عوامانه داریم؛ به همین دلیل نمی توانیم همدیگر را به خوبی اقناع کنیم. باز آن گاه که مسئله به امور سیاسی گره می خورد، قضیه سخت تر می شود؛ چون هر پاسخی در بستر سیاسی اش مطرح می شود و دگانه های بیجا می سازد، به گونه ای که هر آن که طرفدار نظام و انقلاب است، خود را مدافع چیزهایی می پندارد و کسی که نیست، مخالف آن و جالب اینکه اگر از موافق و مخالف بررسی دلایل شرما برای این باور و پندار شما چیست، بیشترشان پاسخی ندارند. مسئله اسرائیل سال ها است دچار این ابهام و دگانه سازی بوده است.

در این میان، باید آثاری تدوین شود که بر آگاهی ما بیفزاید و البته خاستگاه عالمانه داشته باشد. ما درباره مسئله وقوف یابیم و آن گاه مختار باشیم که با اتکا به آن قوفلمان، موضوعی بررسی کنیم. «متاستاز اسرائیل» به نظر من، یک کتاب

مؤثر است برای این آگاهی بخشی. کورش علیانی در این کتاب، فارغ از شعارها و هیا هوها، در پی شناخت ریشه ای و تاریخی مسئله اسرائیل بر می آید و با یک سلسله روایت تاریخی که از ۱۴۰ سال پیش شروع می شود و تا زمان نگارش کتاب در سال ۱۳۹۹ ادامه می یابد، می کوشد تکوین و تشکیل این دولت و این کشور را پیگیری کند.

پس یک ویژگی مهم کتاب، عنصر «روایت» است که در همه اجزای آن حضور دارد و همین، آن را جذاب می سازد و ملال آوری مباحث تاریخی و سیاسی را از بین می برد. کورش علیانی داستان آدم ها و نهادهای دخیل در این پروژه را بازگو می کند و البته بازگوکردنی براساس اسناد تاریخی.

از «اسناد تاریخی» گفتم، باز یک ویژگی دیگر در این کتاب، این است که نویسنده برپایه منابع و مدارک پیش می رود و البته بیشتر این منابع،

## پژوهشی ریشه ای و روشمند

اما همه این توضیحات ما، بدون اینکه تصویری از محتویات کتاب و عنوان فصل های آن ارائه کنیم، ناکارآمد است. کتاب در ۲۷۲ صفحه نوشته شده است. سه فصل دارد و تعدادی پیوست. فصل اول کتاب «از هیچ تا پیچ» نام دارد و جهانی را بازگو می کند و فصل سوم با نام «از هست تا شود»، دیگری اسرائیل با انسان ها را بیان می کند. نویسنده در این مسیر، «استمرار تبعیض، ترور و تعدی» به وسیله این دولت را شرح می دهد. کتاب با طرح جدی گیرا و تصویریایی در متن که در هر فصل آمده اند، همراه شده است. صفحه آرای این البته از نظر قلم و ترکیب صفحات چشم نواز است، ولی قدری فشرده کار شده است.



کورش علیانی

خارجی و حتی شمار زیادی از آن ها، عبری است؛ یعنی منابعی دست اول که حتی یافتنشان با این همه سانسوری که بر این ماجرا در سطح جهان حاکم است، کاری است سخت دشوار. کتاب یادشده بر کتاب های دیگری که در ایران درباره این موضوع نوشته شده است، مبتنی نیست و لاجرم از داوری های گاه غیردقیق و هیجانی در این کتاب هانیز به دور است.

این قضیه، خواننده کتاب را خاطر جمع می کند که پیشداوری ای در کار نیست؛ چون حقیقت این است که ما در بسیاری امور و از جمله درباره اسرائیل، دچار پیشداوری هستیم. قوت قلم نویسنده، تحسین برانگیز است. کتاب نثری فصیح و درعین حال جذاب دارد، نثری که نه به نثر خشک علمی پایان نامه ای و نزدیک است که سرشار باشد از اصطلاحات و عبارات های سنگین و نه به نثر رایج مطبوعاتی که مشحون باشد از ضعف های نگارشی.